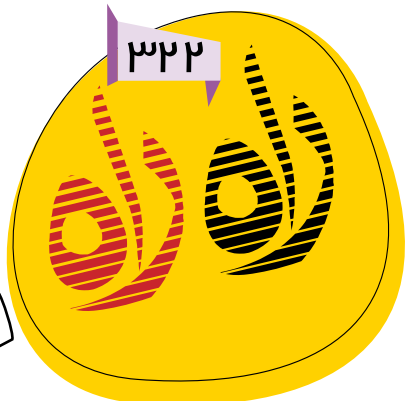


# گزینیه‌های زیرمیز



## تکرار غریبانه موشک‌باران هایت چگونه گذشت بنیامین؟

گزارش محرمانه از حملات ایران به اسرائیل



فردانه فرزینی

از تیم بررسی خسارات جنگی به نخست وزیر اعظم، عزیزدل، فدایت بشوم، بنیامین نتانیاهو در بررسی‌های به عمل آمده از عملیات‌های موشکی ایران مشخص شد که دست‌کم ۴۰۰ موشک به ۴۰ نقطه اصابت کرده است. البته این در صورتی است که شما از خودزنی‌های سامانه گنبد آهنین چشم‌پوشی کنید! آن‌طور که گذشت و دیدید، تل‌آویو و حیفا شاهد آتش‌سوزی و ویرانی گسترده بودند. فرودگاه‌ها تعطیل شدند، آژیرها مکرراً به صدا درآمدند و چیزی که بیشتر از دود و آتش مردم شریف و خونخوار ما را اذیت کرد، این بود که دانستند ایران فقط حرف نمی‌زند، بلکه بلد است دقیق بزند؛ آن‌هم با لبخند. در ادامه گزارشی از عملکرد و توانایی موشک‌های ایرانی تقدیم حضور مبارک شما می‌گردد. باشد که سوتی‌های‌مان را زیرسیلی رد کنید. البته سبیل که ندارید، ولی خب.

فاتح

موشک فاتح، معروف به «مرغ افسانه‌ای هاپرسونیک»، با سرعتی نزدیک به ۱۵ مایخ چنان می‌تازد که سامانه‌های پدافند ما فقط فرصت می‌کنند به رادار نگاه کنند و بگویند: «چی شد؟!». البته از حق نگذریم، چندتایش را هم گرفتیم. گرفتنش هم خدواکیلی کار آسانی نبود. آخر فاتح نه‌تنها می‌دود، بلکه پیچ‌وتاب هم می‌خورد، انگار می‌خواهد با گنبد آهنین ما قایم‌موشک بازی کند! البته در این قضیه شما هم کم مقصر نیستید‌ها. آخر کسی اسم این جفله را می‌گذارد گنبد آهنین؟! مستخره عالم و آدم شدیم. همان آبکش آهنین که رسانه‌های فارسی زبان می‌گویند از سرش هم زیاد است!

قدر

به اسمش نگاه نکنید؛ به قول فارسی‌زبانان، فلفل را نبینید که ریز است، چون وقتی بخورید می‌بینید حسابی تیز است! موشک قدر از همان‌هایی است که با برد بالای ۱۶۰۰ کیلومتر، درست به هدف می‌زند. نصف ساختمان‌های آوار شده حاضر هنرمندی ایشان است. در عملیات‌های اخیر، چند مقر نظامی و فرماندهی ارتش ما در حیفا با حضور ایشان، منهدم و سربازان دچار ضربه مغزی ملایم شدند. برای این موشک فرقی نمی‌کند ما چی هستیم و کجا هستیم، او ما را پیدا و منفجر خواهد کرد!

## عنوان: ماجراهای یک میز

فردانه فرودی

از: وزارت امور خارجه  
به: اداره ریاست جمهوری  
باسلام بدین وسیله تقاضای می‌شود جهت تهیه تعدادی میز، اعم از یوشکل، گرد و بیضی به غیر از مستطیل و مربع برای این وزارتخانه اقدام لازم را مبذول دارید. لازم به ذکر است میزهای مربوطه مجهز به میوه و امش باشد.  
امضا: سرمربی تیم مذاکرات به‌جز ظرف و باریک  
از: اداره ریاست جمهوری  
به: وزارت امور خارجه  
باسلام بدین وسیله سوابق آن وزارت مکشوفه و نیز سابقه طولانی شما در استفاده ناجبا از میز اعلام می‌دارم این اداره با وجود ناناغی از دست شما، یک میز دیگر ارسال می‌کند. بیشتر مراقب میزها باشید باشد که رستگار شوید.  
امضا: ریاست خشمناک  
از: وزارت امور خارجه  
به: اداره ریاست جمهوری  
باسلام یک فقره بمب به فرق میز مربوطه اصابت نموده و آن را از وسط دوتا نموده است. در حال حاضر پای مذاکرات لنگ است، لطفاً در صورت امکان میز دیگری ارسال کنید.  
امضا: سرتیم غمگین مذاکرات  
از: اداره ریاست جمهوری  
به: وزارت امور خارجه  
باسلام بدین وسیله مراتب نگرانی خود را از شکستن میز ابراز داشته و اعلام می‌داریم زین پس اگر مواظب وسایل خود نباشید پرونده شما را زیر بغل تان گذاشته و شما را از وزارتخانه بیرون خواهیم انداخت.

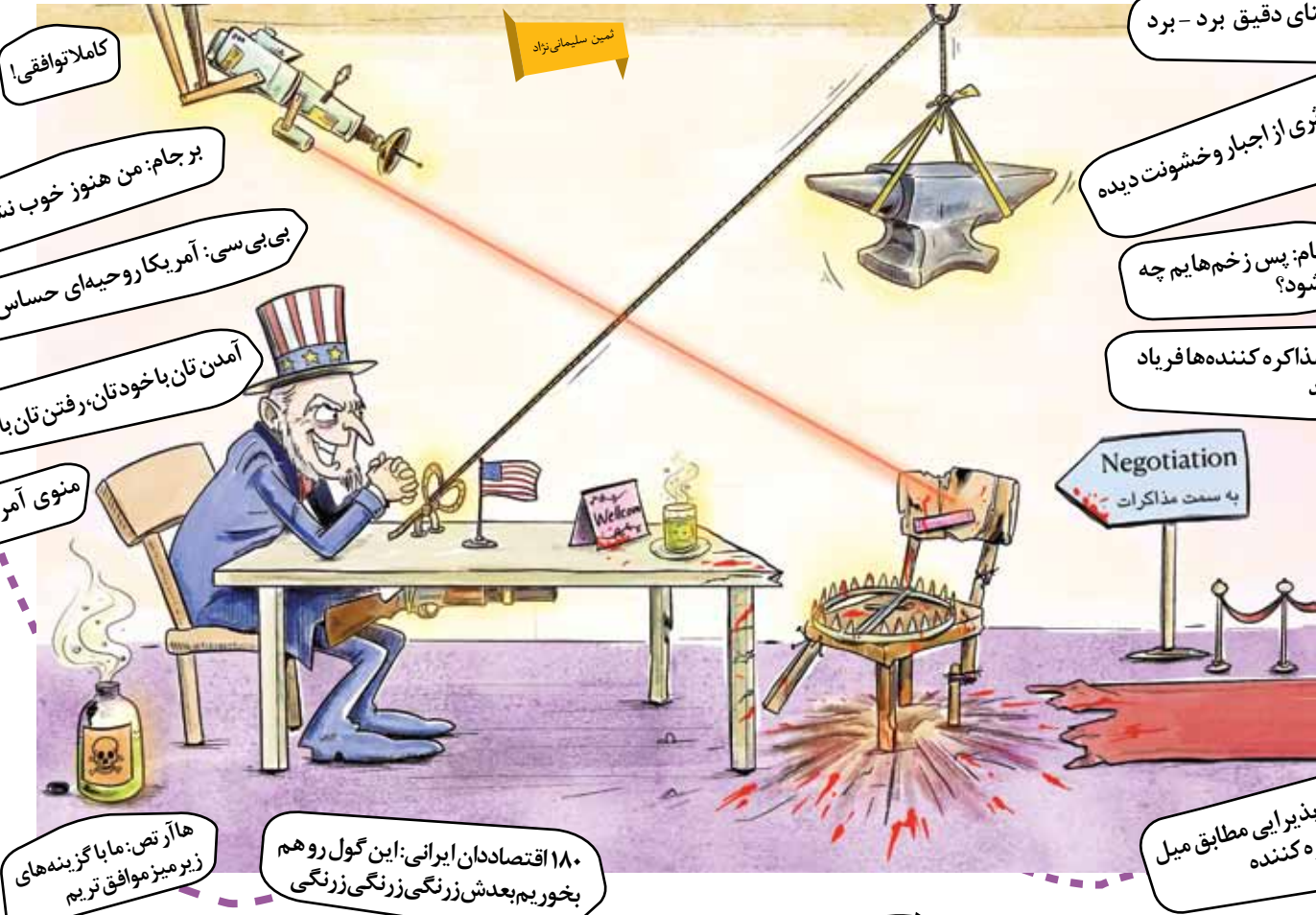
ضمناً به پیوست تعدادی میخ جهت تعمیر میز ارسال می‌گردد تا چشم‌تان کور تعمیرش نموده و به‌جای مذاکره میخ بکوبید.  
امضا: ریاست ناناغی



## گمشده

تعدادی از دانشمندان موسسه تحقیقاتی وایزمن خاکستر شده‌اند. یعنی گمشده‌اند. این دانشمندان دارای روحیه‌ای حساس هستند و به موشک‌های ایرانی و خرابی‌های گسترده در تل‌آویو حساسیت دارند. بسیار جان‌دوست بوده و اگر از آنها می‌پرسیدید علم بهتر است یا ثروت؟ می‌گفتند جان. تقاضا می‌کنیم هر کسی آنها را در هر کشوری مشاهده نمود از طریق کشتی و از مسیر آب‌های آزاد به ما برگرداند و مزدگانی دریافت کند.

خرابه‌های سازمان تحقیقاتی وایزمن



کلماتواقتی!

برجام: من هنوز خوب نشدم!

بیبی‌سی: آمریکاروحیه‌ای حساس دارد

آمن‌تان یاخودتان رفتن تان یاما

منوی آمریکایی

هزار تن: ما با گزینیه‌های زیرمیز موافق‌تریم

۱۸۰ اقتصاددان ایرانی: این گول رو هم بخوریم بعدش زرنگی زرنگی زرنگی

ز فریبِ او بیندیش و غلط مکن، نگارا  
نزد دوباره موشک وسط مذاکرات!

حافظ / آینه آل‌اسحاق

خوردهام تیر فلک پاده بده تا سرمست  
پای میزی ننشینم که بؤد رویش بمب

حافظ / علی رگانه

جنگِ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه  
با خِرِ حاوی سادیسم چرا گپ بزینم؟!

حافظ / جواد فره محمدی

از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر  
تا زمانی که صدای خوش فتاح آمد

حافظ / محمد سیوریان

رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیر ما  
ای ترامپ! کله‌شق کمتر بگو لاطاللات

حافظ / آینه آل‌اسحاق

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است  
در زیر بمب و موشک، صهیون بیوش پوشک

حافظ / آینه آل‌اسحاق

ساقی بیار آن جام می، مطرب بزن آن ساز را  
چون له شد اسرائیل در جنگی که خود آغاز کرد

سعدی / آینه آل‌اسحاق

گر بزنی به خنجرم، کز پی او دگر مرو  
شیرجه می‌زنم چو ببط تا بروم مذاکره

سعدی / جواد فره محمدی

## همیشه پای یک زن در میان است

زهرا رضایی

از طرف دیگر یکی از درجه‌داران تیپ ۲۳ نوژه هم که وظیفه‌شان تصرف پایگاه بود بعد از دودوتا، چهارتا کردن دیدار این کودتا آب و نانی برای ایران در نمی‌آید. پس به این لو در لو دادن‌ها، برای مسؤولین محرز شد که کودتا در کار است. به سرعت ستاد خنثی‌سازی کودتا تشکیل و هم‌زمان با شروع کودتا، دست به کار شده و چنان درسی به خائنین و اربابان‌شان دادند که آن سرش ناپیدا!



فردانه فرزینی

## دور افتخار

رها شد یکی تیر از تیربار و چرخ‌ی زد و رفت با افتخار هدف کرد و با سرعت نور زد درآورد از قوم صهیون دمار چنان زد که اوضاع‌شان شد سگی! سگی که همیشه جری بود و هار برای نجات از دل منجلاّب به ناگاه شد ملتمس، پاچه‌خوار! که حاجی بیا و ترجم نما و آتش‌بسی ده به این وضع زار به قرآن پشیمانم از کردهام غلط کردم آقا! غلط! NO به WAR! چنین پاسخ آمد ز ایران‌زمین به صوتی جلی و پر از اقتدار: نه اینجاست جولانگه‌ی ات مگس که در لحظه خواهی شد اینجا شکار برای تو پیچیده‌ام نسخه‌ای که دیگر نباشی چنین در فشار بخور صبح و شب تندر و قدر و رعد و سجیل و فاتح به وقت ناهار میان وعده زلزال و خیرشکن و عصانه هم موشک ذوالفقار نوشتیم با رد موشک چنین بماند برای همه یادگار: زدی ضربتی، ضربتی نوش کن و بعدش بدو گم شو زود الفرار!

## نیازمندی‌ها

چند عدد دکمه مانتو کم کارکرد

کنده شده به وسیله بهترین بشکاف‌ها به علت تغییر مد روز به فروش می‌رسد.

به تعدادی فیلم بدون منفی دوازده و مثبت چهارده جهت دیدن با خانواده نیازمندیم.

درخواست نیروی کار فتوشاپ کار قوی

جهت فتوشاپ خرابی‌های ساختمان در حد کوبیدن و از نو ساختن وزارت راه و ساختمان تل‌آویو

فروشی

یک گونی پاسپورت اسرائیلی معاوضه با جلیقه نجات یا ۱۱ سانتی‌متر زمین در قبرس میخانیل و برادران

یک قواره روتختی جویده شده توسط موربانه جهت الهام گرفتن طراحان لباس به مزایده گذاشته می‌شود.

## آرزوهای دراز

فاطمه سادات حسینی‌زاده

موقعیت: زمین شنی پارکی در مرکز شهر تهران  
خبرنگار اسرائیل اینترنشنال: خب به نظرم همینجا گزارش رو بگیریم. بریم؟ آماده؟ برو. «همون‌طور که می‌بینید وعده اسرائیل به طور کامل محقق شده و از ایران چیزی جز خرابه‌هایی...»

+ آقا میشه بری کنار؟ می‌خوایم تور والیبال‌مون رو وصل کنیم.

- ای بابا! اینجا مگه جای والیبال بازی کردنه؟  
+ قطور مگه؟ مگه برای والیبال هم بده؟ آخه هفته پیش بدمینتون بازی کردیم، توپمون گیر می‌کرد تو شن.

- ای بابا. قطعش کن. بریم به جای دیگه.  
موقعیت: یکی از اماکن تجاری که مورد بمباران رژیم قرار گرفته  
خبرنگار: آخ جون! خودشه! اینجا بهترین جاست. برو که رفتیم.

«اینجا نمونه کوچکی از اتفاقی هست که در ایران افتاده و ایران رو به تلی از خاک و خاکستر تبدیل...»

+ آخیش. خداروشکر.

- خب به نظر میاد تعدادی از ایرانی‌هایی که هنوز زنده موندن، دارن از حملات اسرائیل ابراز خوشحالی می‌کنن. سلام از حسن‌تون برامون بگید.  
+ ها؟ چی میگی داداش؟ ببین، یه لحظه همینجا وایسا، تکون نخور.

- چرا؟

+ دارم وسیله میارم. وایسا تا جایارک رو نگیرن. کامیون اینجا وایسه وسایل رو خالی کنه.

- وسیله چی میارید؟

+ خب بالاخره باید برگردیم سر کارمون دیگه. حالا درسته اون رژیم جرم‌زاده به غلطی کرده، ولی ما هنوز داریم اینجا زندگی می‌کنیم.

نمی‌تونیم بریم گدایی که...

- خب ببیندگان عزیز، فکر می‌کنم ایشون در اثر موج حملات اسرائیل یه مقدار از نظر عقلی...

+ دیوونه خودتی مرتیکه. ببینم اصلا شماها از کدوم شبکه‌اید؟

- خب ببیندگان عزیز همون‌طور که شاهد هستید آژیر خطر به صدا درآمده و ما باید فرار کنیم.

+ وایسا ببینم اسرائیلی بدبخت.

موقعیت: بیابان لوت

خبرنگار: خب دیگه اینجا گزارش رو بگیریم تموم شه خسته شدم. [صدای سرفه] ببیندگان عزیز!

ببینید که چطور با بمباران اسرائیل یک محله در ایران به طور کلی نابود شده. اینجا محل زندگی مسؤولان رژیم ایران بوده. قدرت بمباران‌های اسرائیل رو ببینید که...

+ آقا، میشه یه کم برید اون ورتر؟

- ای بابا... باز چیه؟ می‌خوای تور والیبال وصل کنی؟

+نه بابا. ما تو جنگ ۱۲ روزه یه بار اودمید اینجا پیک‌نیک چند تا هسته هلو کاشتم. اودمد آب بدم بهشون.

- تو بیابون؟

+ از کجا معلوم که در نیاد؟ با دخترم گفتیم امتحان کنیم ببینیم چی میشه.

× سلام شما باید تشریف بیارید همراه ما. - بله؟ شما؟

× یکی از هموطنان با ۱۱۳، ۱۱۴ یا ۱۱۶ تماس گرفتن و گزارش رفتار مشکوک شما رو دادن.

- جان؟ شما مگه هنوز هستید؟ ای بابا... پس این اسرائیل کجا رو زده؟

× بیا تا بهت بگم هنوز هستیم یا نه.

- نه قربان، اشتباه گرفتید. اتفاقاً منم یه فرد مشکوک دیدم، الان اینجا بود.

× کیجا؟

- ایناهاش! عه، فیلمبردارم کو؟ داره فرار می‌کنه. کجا رفتی نامرد؟

× نگران نباش! اونم می‌گیریم. ولی خوب می‌دونه‌ها!

- آره بابا. اون همیشه توی کلاس‌های آمادگی فرار نمره الف می‌شد.



دبیر سرویس نشر: فاطمه بوجار  
دبیر سرویس شعر: فریبا رئیسی  
دبیر سرویس کارتون: نمین سلیمانی‌زاده  
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی

مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی  
https://zil.ink/bashgahtanz